



عامل جنایت خیابان گاندی ۷ سال پس از وقوع حادثه:

## هنوز رد خون دنبال می کند

پسر جوانی که هفت سال قبل دختر دانشجوی رشته پزشکی را در خیابان گاندی به قتل رسانده بود، بعد از پرداخت دیه و جلب رضایت اولیای دم از مجازات قصاص فاصله گرفت و از زندان آزاد شد. او پس از دهایی از زندان به رفیقار مجرمانه اش ادامه داد و به دلیل مصرف مواد مخدر در چرخه جرم باقی ماند. متهم ۲۸ساله که دارا نام دارد در یکی از طرح های پلیس تهران بازداشت شده است.

کمی از وضعیت خانوادگی ات بگو.

پدری ۷۱ساله و مادری ۶۲ساله دارم که البته جدای از هم زندگی می کنند. خواهرم همراه شوهرش برای زندگی به استرالیا رفته است. قبل از اینکه من سال ۹۱ مرتکب قتل شوم، پدرم وضعیت مالی خیلی خوبی داشت. او صاحب نمایشگاه خودرو بود که آن را به عموم فروخت. پدرم همچنان در کار خرید و فروش ماشین فعال است. این را هم بگویم که پدرم از ابتدا اهل قمار بود و هر هروئین هم مصرف می کرد. او عاشق هروئین است و مواد را از من که فرزندش هستم، بیشتر دوست دارد. مادرم هم مدیر بخش یکی از بیمارستان های تهران بود که همیشه به خاطر این رفتار پدرم با هم اختلاف داشتند.

اولین خلاف زندگیت هم به یاد داری؟

بله. اولین بار مواد را کم کم پدرم برداشتم و مصرف کردم. آن روز من و پدرم در حال تماشای بازی پرسپولیس و استقلال بودیم که استقلال گل زد و پدرم از خوشحالی اش رفت هروئین کشید. بعد از برد استقلال پدرم از خانه بیرون رفت و من رفتم سر وقت کمدم و در ۱۴سالگی اولین تجربه مصرف هروئین ام را به دست آوردم.

پدرت فهمید؟

بله و بعد از آن نیز با خودم هم همبازی شد. می گفت با خودم خلاف کنی بهتر از این است که به روی جایی دیگر و با آدم های خلافکار مواد مصرف کنی. بعد از چند وقت پنجشور پیش مادرم، او رئیس بخش بیمارستان بود. بعد از آن زندگی ام عوض شد. مادرم در خانه حتی اجازه نمی داد آستین کوتاه بپوشم و همین موضوعات باعث شد من دو شخصیتی بشوم.

بعد از اولین تجربه مصرف مواد معتاد شدی؟

نه، اما تقفنی استفاده می کردم.

چه چیز سبب شد تا وارد دنیای خلافکاران شوی؟

رفیق ناباب، خودم به رفیق ناباب. با بچه های ده ونک دوست شده بودم. می رفتم باغ گیلاس، آن موقع حسین بلبل کاسب حبشیش بود. دائم می رفتیم آنجا و کنجگا و اینچور فریمان می شدیم و مادرم پول می داد و من با دوستانم تفریح می کردم. آن وقت ها ۱۰روز پیش مادرم و ۱۰روز پیش پدرم بودم. اوایل تقفنی مواد مصرف می کردم تا اینکه خمار شدم و مزه مواد رفت زیر زبونم. یادم است که ۱۸ یا ۹ساله بودم که مادرم من را به کمپ برد. دیدیم کپیومپو تر را گرفتیم و ادامه تحصیل هم ندادم.

از حادثه قتل بگو.

آن حادثه چهارم اردیبهشت سال ۹۱ اتفاق افتاد. مدتی قبل از آن حادثه خلاف را ترک کرده بودم تا اینکه با دختری به نام یونه آشنا شدم و با او سفری به شمال رفتم. یونه وقتش چند ساعت شیشمه بود و هوشیستی با او سبب شد تا دوباره مصرف کننده شوم و هر چه داشتم را دادم کنم. آن روز پولتم کردم که گفت ماشین را سرت رفت کرده است. آن شب هنگام تعقیب سؤال کردم که چرا دوباره مصرف کننده شوم و او برسانم. داشتم سر قرار با یونه می رفتم که دختری در خیابان هشتم گاندی از من خواست ماشینش را پارک کنم. من وقتی پشت فرمان ماشین او نشستم برای یک لحظه تصمیم به سرت رفتم که هنگام سرت رفت او را زیر گرفتم و به قتل رسید. بعدا متوجه شدم که او دانشجوی رشته دکترا است و ۲۷ساله بود. او سه اختراع ثبت کرده بود و به چند زبان هم مسلط بود.

دادگاه به تو چه حکمی داد؟

من به قصاص در ملاعام محکوم شدم و دوباره هم برای اجرای حکم رتفم اما اولیای دم با گرفتف ۹۰۰میلیون تومان اعلام گذشت کردند. تا اینکه اوآخر سال گذشته آزاد شد.

چرا بعد از آزادی دوباره دنبال خلاف رفتی؟

دوباره با رفقایا بد گشتم. یکی از آن ها اسمش گودرز است. یادم است شب عروسی خواهرم تماش گرفت و سوار ماشین او شدم. در بین راه وقتی متوجه ماشین گشت پلیس شد فرار کرد. من تعجب کردم و علت را سؤال کردم که گفت ماشین را سرت رفت کرده است. آن شب هنگام تعقیب و گریز ماشین چپ کرد و من گوشم را از دست دادم. گودرز فرار کرد و من گرفتار پلیس شدم. به هر حال مادرم دوباره به دادم رسید و من را نجات داد. من هنوز هم فکر می کنم با پول یک چیزهایی را نمی توان خرید. خرون دارد دنبال من می آید و هنوز هم حسن دارم به آن اتفاق ها فکر می کنم.

دوباره آزاد شدی؟

بله. با هم مادرم رضایت صاحب پر ایدار را گرفت و با ۱۰میلیون تومان او را راضی کرد و گودرز هم با اینکه می دانست چه بلایی سر من آورده است، دیگر به سراغ من نمی آمد و از ترس این موضوع هنوز هم به طرف من نیامده است. خودم هم بعد از بیمارستان خیلی از توانایی هایم را از دست دادم. الان دوبینی دارم و علاوه بر آن ترس خیلی زیادی هم در بدنم وجود دارد و من دائم فکر می کنم تاوان آن خون دنبال من است. می ترسم کاری کنم. (دست در حبشیش می کند و کارتی در می آورد) این عابر بانک مادرم هست. برایم هر بار ۵۰۰الی ۶۰۰هزار تومان پول می بیزد. به من گفته است کاری نکنم. به اینکه فکر کنید به من باج داده است بلکه به او قول داده ام کاری نکنم و من صادقانه همه چیز را به او گفته ام.

## حوادث

سرویس حوادث ۸۸۶۹۸۳۵

# مرگ سارق پس از ربودن کلاشنیکف پلیس

درگیری گانگستری پلیس با دو سارق در یک کوچه بن بست به مرگ یکی از سارقان و زخمی شدن دومین نفر منجر شد. فیلمبرداری یکی از شهروندان از صحنه درگیری نشان می دهد، سارقان برای فرار از دام پلیس پس از زخمی کردن سرباز وظیفه اسلحه کلاشنیکف او را سرت می کنند، اما در نهایت پس از چند دقیقه درگیری نفسگیری یکی از آنها کشته و دیگری به شدت زخمی می شود.

به گزارش جوان، ساعت ۷صبح روز جمعه ۲۲شهریورماه امسال مأموران گشت کالتری ۱۴۸ انقلاب در حوالی بیمارستان امام خمینی (ره) مشاهده کردند، مرد میانسال از خودروی پژوی سواری پیاده شد و در حال پرسه زدن در نزدیکی در ورودی بیمارستان است. مأموران به وی که سر وضع مناسبی نداشت مشکوک شدند و احتمال داندوی قصد سرقت اموال شهروندان و همراهان بیماران را دارد. بنابراین مأموران برای دستگیری مرد مظنون اقدام کردند اما او فرار کرد. مأموران خیلی سریع متهم را که شاپور نام دارد، بازداشت کردند و پس از آن مأموران به سراغ همدستش که وحید نام داشت، رفتند که او هم با دیدن مأموران پایش را روی پدال گاز خودرو واشر گذاشت و به سرعت فرار کرد. بدین ترتیب در حالی که متهم دستگیر شده داخل خودروی پلیس بود، تعقیب و گریز مأموران با راننده خودرو رقم خورد.

سارق سابقه دار به بن بست رسید

خودروی پلیس که راننده آن سرباز وظیفه ای بود و در کنارش هم مأمور درجه داری میگردان ای فرماندهی می کرد از زیرکشان در

سارق سابقه دار که سوار بر خودروی پژو مشکلی رنگ با تهدید اسلحه از رهگذران سرتقت می کرد بار دیگر بازداشت شد.

به گزارش جوان، ساعت ۲۳شامگاه پنجشنبه ۲۸شهریورماه زنی به مرکز فورت های پلیس ۱۱۰ خبر داد که سارقی مسلح در خیابان ملاصدرا به او و شوهرش حمله کرده است. لخطای بعد از برقراری

تمس بود که مأموران کالتری ۱۴۵ ونک در محل حاضر شدند و شروع به تحقیق کردند. بعد از تأیید خبر تیمی از کارآگاهان اداره یک مبارزه با سرتقت مسلحانه به دستور باز پرس شعبه ششم دادسرای ناحیه ۲۴ تهران، در محل حاضر شدند و تحقیقات در این باره به جریان افتاد: زن جوان که ماجرا را به پلیس خبر داده بود، اولین کسی بود که در این باره مورد تحقیق قرار گرفت.

او توضیح داد: من و شوهرم لحظاتی قبل از خودروی سوزکی مان پیاده شدیم. همان لحظه مردی حدوداً ۳۰ساله را مقابل خودم دیدم. آن مرد ناگهان اسلحه کشید و قصد سرتقت کیفر داشت که شوهرم خودش را به من رساند و کیف را از دستم در آورد و داخل ماشین انداخت. سارق مسلح اما عصبانی شد و شوهرم را تهدید کرد. او سپس گلوله ای به سمت شوهرم شلیک کرد که به سمت راست سینمایش برخورد کرد و زخمی شد. همزمان مرد مسلح به سمت یک خودروی پژو ۲۰۵مشکی رنگ دوید و سوار خودرو شد و از محل دور شد. من هم که به شدت ترسیده بودم پلیس را از ماجرا با خبر کردم.

گزارش سرتقت مشابه

همزمان با انتقال مرد زخمی به بیمارستان تحقیقات کارآگاهان پلیس برای شناسایی و بازداشت سارق مسلح به جریان افتاد. بررسی ها در این باره جریان داشت تا اینکه چند ساعت بعد حادثه مشابهی به پلیس گزارش شد. محل حادثه این بار خیابانی حوالی سید خندان بود. وقتی کارآگاهان پلیس در محل حاضر و متوجه شدند که سؤزه پرونده این بار هم زنی جوان است. او در توضیح حادثه به پلیس گفت: لحظاتی قبل که از خودروی پژو ۲۰۶خودم پیاده شدم ناگهان مردی مسلح را مقابل خودم دیدم. او اسلحه کشید و از من خواست که کیفرم را به او بدهم. من اما مقاومت کردم و گفتم که

خیابان های اطراف میدان انقلاب خودروی پژو را تعقیب کردند. مأمور پلیس چند باری با شلیک چند تیر هوایی به وحید هشدار داد تا توقف کند، اما وی با حرکات ماریج و خطرناک همچنان به فرار خود ادامه داد تا اینکه پس از ۲۰دقیقه تعقیب و گریز نفسگیر وارد کوچه بن بستى شد و مأموران با خودرو راه او را سد کردند.

درگیری گانگستری سارق سابقه دار با مأموران

در این لحظه مأمور در چه دار اسلحه به دست کنار خودرو مواظب بود که متهم دستگیر شده فرار نکند و سرباز وظیفه هم برای دستگیری متهم از خودروی پلیس پیاده شد و به طرف خودروی پژو رفت که وحید در حالی که چاقوی بزرگی در دست داشت به طرف سرباز وظیفه حمله ور شد. متهم چاقو بدست لخطای به سرباز وظیفه حمله می کرد و لخطای هم به دور خودروی پلیس می چرخید تا راهی برای فراری همدستش از داخل خودروی پلیس پیدا کند. از طرفی متهم دستگیر شده هم تلاش می کرد تا از دست مأمور فرار کند، اما مأمور در چه دار که هر از گاهی به کمک سرباز وظیفه می رفت و دوباره به طرف در خودروی برمی گشت و مانع فرار متهم می شد. صحنه های حمله و گریز متهم و سرباز ذاقبی طول کشید و متهم هم در این دقایق شلیک بارى به دور خودروی پلیس چرخید تا اینکه باضربه چاقو سرباز را زخمی کرد.

مرگ سارق کلاشنیکف به دست

پس از زخمی شدن سرباز، وحید در سمت راننده را باز کرد و اسلحه کلاشنیکف سرباز را برداشت و مسلح کرد. سرباز وظیفه که از ناحیه پهلو زخمی شده بود به طرف متهم رفت تا اسلحه اش را بگیرد و از طرفی هم مأمور در چه دار به کمک سرباز وظیفه شتافت که متهم

## سرتقت مسلحانه با پژو مشکلی

حاضر به این کار نیستم. مرد مسلح اما یک تیر هوایی شلیک کرد که من ترسیدم و کیفم را که حاوی ۱۵میلیون تومان بود به او دادم که پس از آن متهم سوار یک خودروی پژو ۴۰۵مشکی رنگ شد و از محل فرار کرد. من هم با پلیس ۱۱۰ تماس گرفتم.

شناسایی دزد مشکلی سوار

در شاخه دیگری از تحقیقات، کارآگاهان با بررسی تصاویر دوربین های مدار بسته تصویر متهم و خودروی او را به دست آوردند و در اختیار گشت های پلیس قرار دادند. بررسی ها در این باره جریان داشت تا اینکه مأموران کالتری ۱۲۶ تهرانپارس هنگام گشت زنی در بزرگراه شهید باقری به یک خودروی پژو مشکلی رنگ مظنون و بعد از بررسی پلاک خودرو متوجه شدند که پلاک مدتی قبل اعلام سرتقت شده است. مأموران احتمال دادند که راننده آن، همان سارق تحت تعقیب باشد بنابراین به راننده فرمان ایست دادند. راننده اما بدون توجه به فرمان پلیس با فشار روی پدال گاز محل متواری شد تا اینکه پس از نیم ساعت تعقیب و گریز خودروی متهم با گاردیل کنار بزرگراه تصادف کرد و متوقف شد. وقتی مأموران پلیس خود را به خودروی متهم رساندند، او موفق به فرار از محل نشده بود. مأموران در بازرسی از داخل خودرو اسلحه کلت کمبری به همراه خشاب و هفت فشنگ جنگی و دو عدد پو که، چاقو، مقداری از اموال سرتقت شده کشف کردند. مأموران پلیس بعد از باز کردن پلاک سرتقتی موفق شدند پلاک اصلی خودرو را به دست آورند و مالک خودروی که مردی ۳۶ساله به نام رامین بود، شناسایی کنند.

بازداشت و اعتراف

مأموران پلیس سرانجام مخفیگاه رامین را در محدوده گلشهر برای شناسایی و بازداشت سارق مسلح به جریان افتاد. کرج شناسایی و ۲۷شهریور او را بازداشت کردند. متهم در اولین بازجویی ها به سرتقت های مسلحانه اعتراف کرد و از سوی شکیان هم شناسایی شد. بررسی سوابق رامین نشان داد که او از مجرمان سابقه دار است که قبلاً به اتهام جرائم مختلف بازداشت شده و به زندان افتاده است. همچنین مشخص شد که او به اتهام سرتقت از سوی مأموران پلیس زنجان تحت تعقیب قرار داشت.

متهم در بازجویی ها توضیح داد: من قبلاً به اتهام سرتقت بازداشت



شده و به زندان افتاده بودم. پنج ماه قبل و بعد از راهی از زندان تصمیم گرفتم به شکل مسلحانه سرتقت کنم. برای این کار راهی یکی از شهرهای غربی شدم و اسلحه ای به مبلغ ۴میلیون تومان خریدم. بعد از آن با تهدید اسلحه شروع به سرتقت از رانندگان و رهگذران کردم و در مدت پنج ماه بیش از ۳۰سرتقت مرتکب شدم تا اینکه دوباره گرفتار پلیس شدم. متهم گفت: اموال سرتقت شده را به مردی به نام فرهاد می فروختم و پول آن را هم صرف خرید مواد مخدر می کردم. سرهنگ کارآگاه علی گودرز، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهم در اداره یکم پلیس آگاهی تهران در جریان است.



### دستگیری عاملان شهادت مأمور پلیس

پدر و پسر شرور که یکسال قبل ستوان دوم ایمان بوسفی را در خراسان جنوبی به شهادت رسانده بودند، بازداشت شدند. به گزارش جوان، سردار محمد قنبری، فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان گفت: بیستم تیرسال ۹۷، مأموران انتظامی استان خراسان جنوبی در منطقه کویری شط راهور با اشرار مسلح و قاچاقچیان مواد مخدر درگیر شدند که در جریان درگیری ستوان دوم ایمان بوسفی به شهادت رسید. در جریان بررسی های بعدی مشخص شد که عاملان شهادت وی پدر و پسر شرور هستند که از کشور متواری شده اند. وی ادامه داد: در جریان تحقیقات بعدی مأموران متوجه شدند دو متهم به کشور بازگشته اند اما سربازید خانه شاکي که به اتهام معاونت در سرتقت شناسایی شد و هر دو بازداشت شدند.



امور جنایی منتقل شده و جرم خود را قبول کرد. وی گفت: ۳۰سال است که معتاد به هروئین هستم و از ۳۰سال قبل با وحید که چند باری هم سابقه سرتقت دارد، دوست بودم. روز حادثه وقتی به دام افتادیم مأمور پلیس به وحید گفت اسلحه را زمین بگذار اما او قبول نکرد که مأموران او را با گلوله زند. متهم برای ادامه تحقیقات به دستور قاضی غلامی در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

### شوهر عمه

### طراح نقشه آدم ربایی بود

دو پسر جوان که در پوشش مأمور پلیس، شریک شوهر عمه شان را ربوده و اموال وی را سرتقت کرده بودند، از خودشان دفاع کر دند. شوهر عمه متهمان که طراح نقشه بود، جرمش را انکار کرد.

به گزارش جوان، رسیدگی به پرونده از پاییز سال ۹۶ با مراجعه مرد ۴۵ساله به نام هومن به اداره پلیس وشکایت او علیه دو مرد جوان به جریان افتاد. هومن به مأموران گفت: «من و رضا با هم شریک کاری بودیم، اما مدتی بود با هم اختلاف حساب داشتیم. چند روز قبل سوار خودروی خودم در راه خانه بودم که دو مرد جوان سدر اهام شدند و در پوشش مأمور مدعی شدند حکم جلب مرا دارند. آنها از من خواستند بهی ام را همراهاتسویه کنم و قصد داشتند با تهدید مرا از میدان آزادی به خارج از شهر ببرند که صحبت کردم و فرار شد به خانم در تهرانسر برویم.»

شاکي ادامه داد: «وقتی به خانه رسیدم ۹۰گرم طلا، شش گوشی موبایل، ۱۵۰میلیون تومان پول نقد و ۵۰تلیتر ترکیه را که در گاو صندوق داشتم همراه لب تاپ و تعدادی اسناد به آنها دادم و خودم را از شر آنها خلاص کردم. با رفتن آنها خیلی فکر کردم تا اینکه فهمیدم این مأموران قلابی از سوی رضایه به سراغم آمده اند و همه این اتفاق ها نقشه او بوده است.»

با طرح این شکایت، وضاحت تعقیب مأموران شناسایی و بازداشت شد. او ابتدا جرمش را انکار کرد اما در بازجویی های فنی لب به اعتراف گشود و به جرمش با همدستی دو برادرزاده همسرش به نام های امید و فرهاد اعتراف کرد.

دو مرد جوان نیز دستگیر شدند و هر دو به اتهام آدم ربایی، جعل عنوان و سرتقت و رضا نیز به اتهام معاونت در سرتقت روانه زندان شدند.

پرونده بعد از صدور کیفرخواست به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران در ریاست قاضی زالی فرستاده شد و صبح دیروز روی میز هیئت قضایی قرار گرفت. ابتدای جلسه شاکي برای متهمان در خواست اشد مجازات کرد. سپس امید در جایگاه ایستاد و در شرح ماجرا گفت: «شوهر عمه ام با شاکي اختلاف مالی داشت، او وضع مالی خوبی نداشت به همین خاطر خواستیم او را کمک کنیم، اما از عاقبت جرمی که مرتکب شدیم اطلاعی نداشتیم. پشیمان هستیم و طلب بخشش داریم.»

در ادامه فرهاد نیز با قبول جرمش از خودش دفاع کرد.

سپس رضا با انکار جرمش در جایگاه ایستاد و گفت: «با شاکي اختلاف حساب داشتیم اما هر بار که از او می خواستم حسابش را روشن کند طفره می رفت. این شد که بر برادرزاده های همسر گفتم از هومن پول طلب دارم و او بدهی اش را نمی دهد. سپس از آنها کمک خواستیم اما از ماجرای آدم ربایی اطلاعی ندارم.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

### مرگ ۲ زن و مرد در بررسی می شود

پرونده مرگ ۲زن و مسرد که در جریان حادثه های جداگانه فوت کرده اند از سوی مأموران پلیس بررسی می شود. به گزارش جوان، نخستین حادثه که مرگ مشکوک زن جوانی بود را ساعت ۵:۱۰ صبح روز چهارشنبه سوم مهرماه مأموران کالتری ۱۰۶ افسریه به باز پرس وی ویژه قتل دادسرای امور جنایی خبر دادند.

مأموران اعلام کردند زن جوانی در مرکز درمانی به طرز مرموزی فوت کرده است. بررسی ها نشان داد زن ۳۱ساله گی به نام مهناز که مشکل نازائی داشته برای بچه دار شدن تحت عمل جراحی قرار می گیرد و فوت می کند. از آنجایی که اولیای دم از پزشک مرکز درمانی شکایت داشتند پرونده به دستور باز پرس جنایی برای بررسی به دادسرای جرائم پزشکی فرستاده شد. جسدن زن جوان برای مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد.

دومین حادثه هم که به باز پرس جنایی اطلاع داده شد مرگ آتشین مرد ۴۹ساله ای بود که پس از سوختگی به بیمارستان شهدای یافت آباد منتقل شده بود. بررسی ها نشان داد مرد فوت شده در حال تعمیر آبگرمکن در شهرستان رباط کریم بوده است که ناگهان آبگرمکن منفرج و وی به شدت دچار سوختگی می شود. همزمان با ادامه تحقیقات جسد مرد ۴۹ساله به پزشکی قانونی منتقل شد.